

تحلیل ممیزی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی آثار سینمایی در حقوق موضوعه ورویۀ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

● وحید آگاه^۱

چکیده

مواجهه دولت با مقوله سینما باید به صورت پسینی باشد؛ روشی آزادی محور که، تنها پس از عرضه اثر سینمایی و صرفاً در صورت وقوع جرم یا تخلف، مجوز برخورد دارد. اما در ایران، از زمان پیروزی انقلاب نیز، ورود پیشینی یا ممیزی (سانسور) آثار سینمایی برقرار است که، طی پژوهش پیش رو، اقسام آن در حقوق موضوعه نقد شده است و سوای ممیزی دینی، که بررسی مستقلی می طلبد، سه قسم عمده ممیزی «اخلاقی، سیاسی، و فرهنگی-اجتماعی» در قوانین، مصوبات هیئت وزیران و شورای عالی انقلاب فرهنگی شناسایی و تحلیل شدند و در رویه عملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز موردکاوی شدند و مصادیق این عناوین از فیلم های ممیزی شده استخراج شدند. نتیجه پژوهش نشان از تنوع و تعدد موارد ممیزی در ضوابط دارد که، سوای محل نقدبودن، در ورطه عمل فراتر و فربه تر از نص قوانین و مقررات شده و نهایتاً سیاهه ممیزی در ایران را بسیار «باز» کرده است، چنان که موضوعاتی مثل «خشونت و فرار از اجرای عدالت» در سبد ممیزی اخلاقی؛ «انتقاد از مراجع امنیتی و انتظامی و سیاست های دولت» در فهرست ممیزی سیاسی؛ و «ارائه تصویری نامناسب از فرهنگ و تمدن ایرانی، اجتماعی و تلخ بودن، نگاه منتقدانه به فرهنگ قشر ضعیف و حتی واژگنومی» در سیاهه ممیزی فرهنگی-اجتماعی قرار گرفته اند. در این زمینه ها، فیلم هایی مانند خانه پدری، گناهکاران، به رنگ ارغوان، عصبانی نیستم، حاجی وانشگتن، بانو و آتشکار را می توان برشمرد.

واژگان کلیدی

ممیزی (سانسور)، سینما، ممیزی اخلاقی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ممیزی فرهنگی-اجتماعی.

مقدمه

آدمی مدنی الطبع است و در اجتماع پرورش می یابد. محصولات فکری نیز چنین است و، به علت تفاوت در اندیشه و جهان بینی و تاریخ و جغرافیای زندگی افراد، تفسیربردار است؛ امری که در آثار هنری، خاصه سینمایی، به جهت «مرکب بودن و بهره مندی از همه ابعاد صوت و تصویر» و «نزدیکی به زندگی و ارتباط وثیق با جامعه در عین تجلی فردیت هنرمند» (آگاه، ۱۳۹۶ ج: ۱۷-۱۹ و ۲۵)، غلیظ تر است و آثار سینمایی اقیانوسی است که هر مخاطبی به اندازه سهم خود از آن برمی دارد. چه اینکه فیلم ها مانند قاطبه آثار هنری اصولی ثابت و لایتغیر ندارند که بر اساس آن سنجیده شوند و داوری فیلم ها، جدا از سیاست جشنواره ها، بیشتر بر پایه ذوق و سلیقه است و تعداد فیلم هایی که قاطبه مردم، هنرمندان و منتقدان بر میزان کیفیت آن ها اتفاق نظر داشته باشند اندک است.

تولید و عرضه آثار هنری از جمله سینمایی بر مدار منظومه حقوق بشر قابل ارزیابی است و حق بر آزادی بیان هنری مرکز ثقل است؛ اینکه بیان هنری از شیوه های گفتن بوده و از مواهب و محدودیت های آن برخوردار است. بر این اساس، حق بر آزادی بیان سینمایی اصل و خط قرمزهای آن اعم از ممنوعیت و محدودیت استثناست و تعدد مصادیق یا تفسیر موسع آن ممنوع است. لذا، در گفتمان حقوق بشر-سوی بحث کودکان که پژوهشی جداگانه می طلبد-سانسور به معنای مداخله در وجه مختلف فیلم توجیهی ندارد و شیوه مقبول نظام آزادی است که با قانون اساسی ایران نیز همخوانی دارد (آگاه، ۱۳۹۶ الف: ۲۹۳-۳۱۷) که طی آن، فیلم ها آزادانه ساخته و اکران می شوند و سینماگران در صورت نقض خط قرمزها باید پاسخگو باشند. اما در حقوق موضوعه ایران، این شیوه پذیرفته نشده و نظام پُرِوپیمان مجزدهی، از ابتدای تولید تا پایان نمایش، سینما را در بر گرفته (آگاه، ۱۳۹۶ ب: ۳۳-۶۱) که در واژه سانسور قابل تلخیص است. سانسور^۱ به معنای نکوهش، انتقاد (حق شناس، ۱۳۸۶: ۲۰۶)، بازبینی و کنده آن^۲ سانسورگر، بازبین، محتسب (آشوری، ۱۳۷۴: ۵۱) و ممیز خوانده می شود که فاعل و گستره های متفاوتی دارد. هر یک از افراد به تنهایی، جامعه و دولت قادرند در مقولات اقتصاد، سیاست و فرهنگ در مسیر سانسور گام بردارند. در این نوشتار، سانسور با فاعلیت دولت در عرصه سینما محل بحث است. واژه سانسور در ایران، به علل سیاسی و فرهنگی، مورد حساسیت حاکمان بوده و از کلمه ممیزی استفاده می شود. اما ممیزی همان سانسور است و در قوانین اساسی و عادی ایران به کار رفته است.^۳ بالاین حال، به علت فضای دولتی فرهنگ ایران، در این مقاله از ممیزی به جای سانسور استفاده می شود.

ممیزی آثار سینمایی تاکنون در ادبیات حقوق موضوعه مغفول مانده و در اثر پیش رو، سوی

1. Censure /Censorship

2. Censor

۳. ر.ک: اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲

مبانی نظری ممیزی که بحث مفصل و مستقلی است (آگاه، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۲۰۰)، به شیوه تحلیل توصیفی، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای اسنادی و مبتنی بر منابع حقوقی به ویژه «آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آن‌ها» مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۴ هیئت دولت با اصلاحات بعدی - زین پس، آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم - و رویه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، سطوح ممیزی نقد و تحلیل شده تا مشخص شود واژگان متون حقوقی در ورطه عمل طی چه مصادیقی متعین شده‌اند؛ امری که با مشاهده فیلم‌های مورد بررسی نیز همراه بوده است. قسمی از ممیزی که می‌توان از آن به «محافظت از موازین شرعی» یاد کرد، به سبب نیاز به بررسی جداگانه با مبانی متفاوت و اجتناب از اطاله کلام، بررسی نشده و ممیزی‌های اخلاقی، سیاسی، و فرهنگی- اجتماعی در سه بند مطالعه شده و در هر قسمت، پس از بررسی مختصر مفهوم، ممیزی مربوط در مقررات و رویه عملی واکاوی شده است.

۱. ممیزی اخلاقی

حفظ حرمت اخلاق از معیارهای ممیزی است. اخلاق مفهومی منعطف و دارای مصادیق متعدد است که در طول زمان با تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کند و همین امر تعریف یا مرزبندی دایره شمول آن را «سهل ممتنع» می‌نماید. باین حال و فارغ از قصد تعریف اخلاق، این واژه دارای دو معنای عام و خاص است. در معنای عام، هر آنچه مخالف خیر و نیکی را احاطه می‌کند؛ چنان‌که ماده ۱۸ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ اعمال خلاف اخلاق عمومی را شامل (۱. اعمال منافی عفت عمومی؛ ۲. تجاهر به فسق و فجور؛ ۳. استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر؛ ۴. اعمال و رفتار خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغلی؛ ۵. عدم رعایت حجاب اسلامی؛ ۶. نشر و توزیع نوارهای مبتذل یا عکس‌های مستهجن و صور قبیحه» دانسته است؛ تعریفی که موارد غیر شرعی و فرهنگی را نیز دربر می‌گیرد. اما با توجه به جایابی مسائل «غیر شرعی، مستهجن و مبتذل» در سبب موارد غیر اسلامی - خارج از دامنه این مقاله - مصادیق جهانی غیر اخلاقی مطمح نظر است؛ مواردی که در همه دولت‌ها، اعم از مقید به دین یا مذهبی خاص و غیر آن، قبیح باشد.

در ممیزی اخلاقی از رابطه اخلاق و هنر بحث می‌شود؛ اینکه هنر ذیل اخلاق است و باید مروج آن باشد؛ یا اخلاق ذیل هنر است و تأثیرات احتمالی نامطلوب اخلاقی هنر در مقابل تجربه‌ای که به بشر منتقل می‌کند ناچیز می‌نماید؛ یا اینکه کنشی متقابل برقرار است و ارزش‌های این دو، در کنار ارتباط با هم، وظایف متمایزی را در جهان بردوش دارند. مشخص است که وقتی ممیزی اخلاقی برقرار است، رویکرد اول پذیرفته شده که، سوای مباحث نظری، این مهم در منابع حقوقی و رویه وزارت خانه تحلیل می‌شود.

۱-۱. ممیزی اخلاقی در حقوق موضوعه

جدول ۱. حاصل جست‌وجوی ممیزی اخلاقی در قوانین و مقررات

ردیف	منبع حقوقی	عناوین ممیزی
۱	بندهای ۵، ۶، ۸، ۱۱ و تبصره آن از ماده ۳ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم/۱۳۶۱	نفی برابری انسان‌ها از هر رنگ و نژاد و زبان و قوم و انکار ملاک برتری که تقواست.
		نفی یا محدود کردن ارزش والای انسان
۲	مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مصوب هیئت وزیران ۱۳۷۶/۸/۷	تشویق و ترغیب یا آموزش اعتیادهای مضر و خطرناک و راه‌های کسب درآمد از طرق نامشروع مانند قاچاق و... نشان دادن صحنه‌هایی از جزییات قتل و جنایت و شکنجه و آزار به نحوی که موجب ناراحتی بیننده یا بدآموزی شود.
		تبصره - فیلم‌های علمی، آموزشی و پژوهشی می‌تواند در محل‌های خاص و جهت تماشاگران مخصوص به نمایش گذاشته شوند.
۳	جزء ۱۰-۴ بند ۴ قسمت ب (سیاست‌ها و اولویت‌ها) از سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی مصوب جلسه ۵۷۰ مورخ ۸۴/۷/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی	وزارت خانه ... فرهنگ و ارشاد اسلامی ... موظف‌اند، به منظور جلوگیری از اعتیاد جوانان و تبیین زبان‌های جانی، بهداشت، اجتماعی و مالی ناشی از مصرف دخانیات، از هرگونه اقدامی که موجب تبلیغ، تشویق یا تحریک افراد به استعمال یا مصرف بیشتر دخانیات شود جلوگیری کنند.
		وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ... باید ترتیبی اتخاذ کند که، در کارها و انتشارات خود، فیلم‌ها ... تبلیغ دخانیات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم صورت نگیرد و شخصیت‌های مثبت فیلم‌ها استعمال دخانیات نکنند.
۴	ماده ۱۳ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی درمورد کنترل دخانیات مصوب ۱۳۸۴/۴/۵ مجلس و ۱۳۸۴/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام	توزیع و نمایش فیلم‌های زیر ممنوع است و مراجع ذی‌ربط ... موظف‌اند از توزیع و نمایش آن‌ها اجتناب و جلوگیری کنند: ... فیلم‌هایی که به تبلیغ هرگونه رفتار غیراخلاقی می‌پردازند یا مروج خشونت هستند یا مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی را توجیه و تبلیغ می‌کنند.
		بندهای متعدد ماده مبنی بر ممنوعیت و محدودیت همه‌جانبه هرگونه تبلیغ و ترویج مصرف دخانیات
۵	ماده ۳ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵/۶/۱۵	هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیرمستقیم و یا تحریک افراد به استعمال دخانیات اکیداً ممنوع است.

با تدقیق در جدول ۱، چند نکته شایسته توجه است:

- مصادیق ممیزی اخلاقی را می‌توان در سه دسته کلی جای داد: ۱. ترویج اعمال غیرقانونی مستوجب مجازات از جمله قماربازی و دایرکردن قمارخانه^۱، تجارت و مصرف مواد مخدر^۲، قاچاق کالا و انسان^۳؛ ۲. ترویج اعمال غیراخلاقی که می‌تواند در بعضی موارد تخلف یا جرم باشد، مانند مصرف دخانیات^۴ و مشروبات الکلی^۵؛ ۳. حدی از خشونت که موجب انزجار شدید تماشاگر شود. لذا، جرایم مورد ممیزی قرار گرفته‌اند و این مهم تا حد زیادی دست مفسر، یعنی ممیز، را باز می‌گذارد و نهایتاً مستعد مسدود شدن نشان دادن هر گونه ناهنجاری است. درحالی‌که تصویرشدن این مصادیق در عالم هنر، خاصه سینما، فرصتی برای اصلاح از طریق تأمل و تفکر مخاطبان است.

- ممیزی اخلاقی تنها در صورت توهین به اقوام و اشخاص خاص، که قابل پیگرد حقوقی است، توجیه دارد و در سایر موارد، به علت اینکه در فضای هنر صنعت سینما راه تفسیر باز است و نشان دادن نقایص و پلیدی‌ها می‌تواند عبرت‌آموز، آموزش‌دهنده، روایتگر تاریخ و ذم زشتی‌ها باشد، تحدید پرداختن به رنگ، نژاد، قومیت و مانند این‌ها ممکن و مطلوب نیست و می‌تواند به انسداد مسیر آزادی بیان از طریق سینما بینجامد. - درمورد مصرف دخانیات بسیار سخت‌گیرانه عمل شده و ممنوعیت مصرف سیگار می‌تواند با خوردن غذاهای نامناسب و چرب و با تغذیه نامطلوب مقایسه شود. بر این اساس، این جاده بی‌انتهاست و در این موارد، ضمن هشدار مردم، انتخاب با افراد است و همان‌گونه که دخانیات مضر است، فست‌فود نیز چنین است. بدین لحاظ، سوای بحث اطفال، ممیزی تبلیغ استعمال دخانیات و تحریک به استعمال آن و موارد قابل تأملی چون ممنوعیت و محدودیت استعمال سیگار نزد نقش‌های مثبت نه در حقوق و نه در واقعیت قابل پذیرش نیست و به طنز می‌ماند.

۲-۱. ممیزی اخلاقی در رویه

موارد یافت‌شده در سه عنوان سقط جنین، خشونت و فرار از اجرای عدالت قابل مطالعه است.

۱. مواد ۷۰۵ تا ۷۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات مصوب ۱۳۷۵).

۲. رک: قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳. رک: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸.

4. www.isna.ir/news

۵. وفق ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی - زین پس، ق.م.ا. - مصوب ۱۳۹۲، مصرف مسکر جرم و موجب حد است. اما به موجب ماده ۲۶۶، غیرمسلمانان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر محکوم به حد می‌شوند.

۱-۲-۱. سقط جنین: صندلی خالی

در ایران، سقط جنین، جز در موارد پزشکی خاص^۱، جرم است^۲ و بدین لحاظ، دفاع از سقط جنین و نقد قانون، برخلاف تقبیح آن^۳، در سینما امکان پذیر نیست. برای مثال، قسمت نخست فیلم صندلی خالی سامان استرکی (۱۳۸۷) داستان زوجی درگیر سقط کردن یا نکردن بچه را روایت می‌کند و نظرهای موافق و مخالف را بازگو می‌کند و اما، از آن به بعد، داستان را رها می‌کند و به قصه‌ای دیگر می‌پردازد؛ نمونه‌ای که می‌توان آن را خودسانسوری نامید؛ چون، دفاع از این موضوع، جز در مورد خاص سقط‌درمانی، قابلیت فیلم شدن ندارد و این مهم از قوانینی است که نقد آن تحمل نمی‌شود.

۲-۲-۱. خشونت

آزادی بیان هنری شامل افکار منجر و ناراحت‌کننده نیز می‌شود. اما این مهم نیز مطلق نیست و ممیزی خشونت از مواردی است که این گزاره را محدود می‌کند. خشونت در سینمای ایران سابقه چندانی ندارد و اساساً فضای حاکم بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌رغم میزان خشونت در جامعه ایرانی، تمایلی به نمایش آن ندارد. امری که به شدت سلیقه‌بردار نیز هست و تطبیق کلمات خشن و منجرکننده با تصاویر فیلم، بیشتر از آنکه ضابطه‌بردار باشد، به نگاه ممیزی بستگی دارد که این موارد قابل ذکرند:

۱-۲-۲-۱. پارک وی: حجم خشونت

پارک وی فریدون جیرانی (۱۳۸۵) سطحی از خشونت را تصویر کرد که پیش از آن بدیلی نداشت و البته توضیح کارگردان در پاسخ به این سؤال که «از فیلم پارک وی به بعد، در کارگردانی به اعتباری رسیدید که دیگر در بند سیاست‌گذاری‌ها و ممیزی نبودید. میزان خشونت پارک وی فراتر از استانداردهای سینمای ایران بود؟» نشان می‌دهد عدم ممیزی این فیلم استثنایی بوده: «آقای اربابی از دوستان ما بود که، وقتی مسئول نظارت و ارزشیابی ارشاد شد، تا حدودی از ما می‌ترسید. از سردوستی می‌گفت فیلمی نسازید که بخواهم سانسورش کنم! گفتم یک فیلم می‌خواهم بسازم، ولی نمی‌خواهم با آن به مشکل بخوری و حاشیه درست شود. در مورد میزان خشونت فیلم هم عملاً اجازه گرفتم و گفتم تا این حد خشونت را می‌خواهم بالا ببرم، پای فیلم می‌ایستی؟ اربابی هم گفت: برو بساز، من می‌ایستم» (نسیم

۱. قانون ماده واحده سقط‌درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰: «سقط‌درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که، به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن، موجب خرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز است...». نیز ماده ۶۲۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵: «هر کس... موجب سقط جنین زن گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود... مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد...».

۲. رک: ۱. ماده ۳۰۶ ق.م.ا. مصوب ۹۲: ۲. مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵.

۳. برای مثال، فیلم دعوت ابراهیم حاتمی‌کیا (۱۳۸۷) در مذمت سقط جنین است.

بیداری، ۱۳۹۰ ب: ۸۳). پارک وی نمونه‌ای از ممیزی به علت حجم و سطح خشونت است.

۲-۲-۲-۱. خانه پدری: تأثیرگذاری خشونت

خانه پدری کیانوش عیاری (۱۳۸۹) قتل دختری را به دست پدرش روایت می‌کند که حدود ۸۰ سال پیش اتفاق افتاده است؛ زمانی که ریخت سنتی جامعه هر رفتاری از زنان را نمی‌پذیرد (شرق، ۱۳۹۱: ۸). فیلم مشمول موارد عدیده ممیزی شد که اصلی‌ترین آن‌ها درخواست حذف صحنه قتل ابتدایی فیلم است که، به درستی، عیاری آن را «هستی» و «هسته مرکزی» فیلم می‌داند و به حذف رضایت نداد (شرق، ۱۳۹۳: ۹)؛ چه اینکه طبق ماده ۸ «آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم» (از زمان اصلاحات سال ۶۴، ماده ۹): «در صورتی که حذف یا تغییرات در فیلم یا قسمتی از آن که مغایر مفاد این آیین‌نامه تشخیص داده شده لطمه‌ای به محتوا و تکنیک فیلم مذکور نزند، فیلم مذکور پس از اصلاح قسمت‌های مورد نظر ... می‌تواند پروانه نمایش دریافت نماید.» نکته‌ای که در عمل غالباً نادیده گرفته می‌شود و پافشاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر حذف صحنه قتل دختر به دست پدر و برادر در ابتدای فیلم و مخالفت کارگردان حول ماده مزبور قابل ارزیابی است؛ مقاومتی که حاصلش تصمیم به نمایش فیلم در گروه هنر و تجربه آن‌هم پس از فرایندی طولانی، از جمله تماشای فیلم توسط گروهی جامعه‌شناس و نظر کارشناسی آن‌ها مبنی بر عدم سوءاثر فیلم بر مخاطب، است؛ تدبیری که، سواى عدم ارتباط فیلم با گروه هنر و تجربه^۱، راه فیلم به پرده‌های محدود را هموار نکرد و فیلم را مجدداً دادستانی توقیف کرد. پس از چندی، فیلم رفع توقیف شد و به‌طور محدود و بسیار کوتاه اکران شد تا عنوان توقیفی را پس از حدود یک دهه یکدک نکشد. در خانه پدری، خشونت مورد نظر ممیزی، به‌رغم اینکه کمتر از یک دقیقه است، به‌علت گیرایی و تأثیرگذاری موجب توقیف فیلم شد؛ امری که فی‌المثل در پارک وی بسیار بیشتر اما کم‌اثرتر بود. لذا، مشخص است که ممیزی تنها میزان خشونت را در نظر ندارد و جذابیت آن را هم بررسی می‌کند. اما باید توجه داشت خشونت در آثار تصویر می‌شود تا تماشاگر را تحت تأثیر قرار دهد و اگر قرار باشد جذابیت خشونت ممیزی شود، هنر صنعت سینما از ذات خود بازمی‌ماند.

۲-۲-۲-۱. پرویز: خشونت پنهان

یکی از علل توقیف پرویز مجید بررگر (۱۳۹۱) خشونت زیاد و پنهان فیلم عنوان شد (اعتماد، ۱۳۹۳ ب: ۱۸). پرویز، در نیمه اول فیلم، مجرد هیکل‌مند چهل و چندساله‌ای است که با پدرش زندگی می‌کند، شغلی ندارد، فعالیتش محدود به اخذ شارژ ساختمان و کمک‌های جزئی به اهالی شهرک محل زندگی‌اش است، ولی از زندگی‌اش راضی است. اما در نیمه دوم فیلم، پدر، با طرح

۱. با توجه به تعداد زیاد فیلم‌های تولیدی در ایران و سالن‌های محدود سینما، برای اکران خاص فیلم‌های هنری و تجربی - فیلم‌های خاص و خارج از بدنه سینما - «گروه هنر و تجربه» راه‌اندازی شد (ر.ک: www.aecinema.ir)

مسئله ازدواجش، از پرویزی می‌خواهد که از خانه برود؛ امری که اعتبار و تنها دل مشغولی در شهرک را از پرویزی می‌گیرد و او، با به خطر افتادن منافعش، به هیولایی تبدیل می‌شود که در نهایت به تهدید پدر و زن پدر و قتل دیگران می‌انجامد. فیلم سال ۹۳ و تنها با راه‌اندازی «گروه هنر و تجربه» در دولت یازدهم به طور محدود اکران شد. در حالی که خشونت موجود در فیلم بیشتر در لایه‌های زیرین و تحلیلی فیلم بود و به نظر می‌رسد اگر ممیزی خشونت در این فیلم پذیرفته شود، اساساً نمی‌توان افرادی در این حالت را تصویر کرد و باید از فیلم‌کردن بخشی از جامعه چشم‌پوشی کرد که مقبول نیست. لذا، در ممیزی خشونت باید بسیار مضیق‌تر عمل کرد؛ چرا که صحبت از ممیزی برای غیر اطفال است و تفسیر موسع، گلخانه‌ای و تصنعی شدن سینما را در پی دارد.

۲-۱-۳. فرار از اجرای عدالت: گشت ارشاد و گناهکاران

انجام اعمال و رفتار خلاف قانون و فرار از پلیس و دادگستری مصداق دیگر معیار اخلاقی ممیزی در رویه است (اکرمی، ۱۳۷۵: ۴۶۳). در این موضوع، می‌توان به گشت ارشاد سعید سهیلی (۱۳۹۰) اشاره کرد که کارگردان به علت ممیزی، در پایان فیلم، خلاف‌کاران را تحویل پلیس داد. مثال دیگر، فیلم پلیسی گناهکاران فرامرز قریبیان (۱۳۹۱) است که در آن، با پی‌رنگ پلیس خوب و بد، خود پلیس مسئول پرونده مجرم (قاتل) است و پایان مبهم و گفته کارگردان نشان از ممیزی انتهای فیلم دارد: «از همان ابتدا گفتند اسم فیلم را عوض کنید. فیلم از قصاص به گناهکاران تغییر کرد. سانسور دوم مربوط به پلیس بود. گفتند پایان بندی فیلم را عوض کن. یک پلان به پایان بندی فیلم اضافه کردیم تا نیروی انتظامی اجازه نمایش داد» (بهار، ۱۳۹۲: ۷). این در حالی است که اولاً این مورد در حقوق موضوعه که بیان شد تصریح یا ردپایی ندارد. ثانیاً، در عالم واقع نیز، هیچ‌گاه همه مجرمان در چنگال دستگاه عدالت اسیر نمی‌شوند و تصویرکردن فرار از پلیس و دادگاه تبلیغ آن نبوده و این ممیزی رویه‌ای هم فراقانونی است.

۲. ممیزی سیاسی

ممیزی سیاسی حذف یا کم‌کردن ساز مخالف فیلم با سیاست‌ها و رویکردهای دولت است؛ اینکه، همچون حزب یا گروه‌های مخالف، سینما نیز محملی برای شنیدن صدای مخالفان و منتقدان نباشد و منفعت دولت به خطر نیفتد. علت هم واضح است: ناخشنودی «انتقاد از» و «اعتراض به» دولت، سیاست‌ها و عملکردهای آن. بنابراین، ممیزی سیاسی به دنبال قطع یا کاهش اثرگذاری انتقاد از امر سیاسی در آثار هنری است. از طرفی در این وادی، ژانری به نام سینمای سیاسی شناسایی شده (خرسند، ۱۳۵۹) که در مقام بازنمایی اندیشه و سند سیاسی کارگردان (منوچهری و علوی پور، ۱۳۹۲: ۷۵۵۳)، بیشتر از سایر گونه‌های سینمایی، دچار ممیزی سیاسی می‌شود. سینمای سیاسی نوع «صریح» و «در پرده» دارد که سینمای ضداستعمار و سینمای مخالف و معترض دولت نمونه صریح آن هستند.

۱-۲. ممیزی سیاسی در حقوق موضوعه

ممیزی سیاسی سینما در حقوق موضوعه به قرار جدول ۲ است و ذکر چند نکته ضروری می‌کند.

جدول ۲. ممیزی سیاسی سینما در حقوق موضوعه

ردیف	منبع حقوقی	عناوین ممیزی
۱	بندهای ۳، ۹ و تبصره آن و ماده ۳ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم/۱۳۶۱	اهانت مستقیم و یا غیرمستقیم به ... مقام رهبری (ولی فقیه) یا شورای رهبری ...
		کمک به نفوذ فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی بیگانگان که مغایر با سیاست نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی ایران است. تبصره-فیلم‌هایی که متضمن آشنا کردن بیننده با آداب، رسوم و فنون اقوام، ادبیات، هنر و صنایع ملت‌ها و محیط‌های مختلف طبیعی، جغرافیایی و علوم انسانی و تکنیک‌های گوناگون فیلم‌سازی و یا تقویت‌کننده قوه تفکر و سرگرم‌کننده و یا آموزنده و نظایر این‌ها باشند، به شرطی که از اهداف استثماری و استعماری پیروی نکنند، می‌توانند پروانه نمایش دریافت دارند.
۲	جزء‌های ۴-۱، ۴-۲، ۴-۳ و ۴-۵ بند ۴ قسمت ب (سیاست‌ها و اولویت‌ها) از سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی/۱۳۸۴	بیان و یا عنوان هر گونه مطالبی که مغایر منافع و مصالح کشور بوده و مورد سوءاستفاده بیگانگان قرار گیرد.
		فیلم‌هایی که به تبلیغ مکاتبی چون سکولاریسم ^۱ ، لیبرالیسم ^۲ ، نیهیلیسم ^۳ یا فمینیسم ^۴ می‌پردازند و فرهنگ‌های اصیل جوامع شرقی (دینی) را تخریب و تحقیر می‌کنند.
		فیلم‌هایی که به تصریح به تبلیغ نظام‌های سلطنتی می‌پردازند یا می‌کوشند نظام‌های دیکتاتوری وابسته به استعمار را مشروع و محبوب نشان دهند یا نهضت‌های رهایی‌بخش ضد استعماری را منقور جلوه می‌دهند.
		فیلم‌هایی ... که افراد غربی را برتر از سایر نژادها، ملیت‌ها یا اقوام معرفی می‌کنند یا دخالت‌های آنان در مناطق دیگر جهان را محق جلوه می‌دهند.
		فیلم‌هایی که به ترویج یا تصریح به تبلیغ نظام حاکم بر آمریکا و نهادهای اصلی آن (مانند رئیس‌جمهور، مجالس نمایندگان و سنا، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، ارگان‌های نظامی مانند پنتاگون، وزارت خانه‌های سیاسی، احزاب دوگانه اصلی) می‌پردازند.

1. Secularism.
2. Liberalism.
3. Nihilism.
4. Feminism.

اصل نظام سیاسی از موضوعات ممیزی سیاسی در ایران است. وفق دانش حقوق اساسی حساسیتی بر رژیم سیاسی نیست؛ چراکه کارآمدی و مطلوبیت هر دولتی با معیارهای «حکمرانی مطلوب» و عناصری چون دموکراسی و حقوق بشر سنجیده می‌شود و رژیم‌های ریاستی، پارلمانی و میانه این دو یا پادشاهی و جمهوری و بهره‌مندی از نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور یا صدراعظم اصالتاً بر یکدیگر برتری ندارند و ساختار حقوقی سیاسی هر کشوری با توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی آن می‌باید تنظیم یا اصلاح شود. اما در مقررات مذکور، این‌گونه نیست و دید حقوقی تخصصی به امر سیاسی مشاهده نمی‌شود. لذا، تبلیغ نظام‌های سلطنتی ممنوع شده که البته پیشینه تاریخی و توجه به یادآوری ظلم پادشاهان گذشته دارد و قانون‌گذار نظر به ممنوعیت تبلیغ رژیم سیاسی قبل از پیروزی انقلاب داشته است.

اهانت به مقام رهبری، به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشوری (اصل ۱۱۳ قانون اساسی)، برخلاف سایر مقامات در موارد ممیزی لحاظ شده است. درحالی‌که سوای ماده ۵۱۴ ق.م.ا که طبق آن هر گونه اهانت به امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری با مجازات حبس جرم‌انگاری شده و حتی این مهم ذیل عنوان «اهانت به مقدسات مذهبی» قرار گرفته؛ مطابق ماده ۶۰۹ همان قانون، مقامات دیگری نیز احصا شده‌اند: «هر کس، با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس‌جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارت خانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌های در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید» به حبس، شلاق و یا جزای نقدی محکوم می‌شود. بنابراین، مقررۀ هیئت دولت در مقام بیان نیست و مهم‌ترین را ذکر کرده است.

مقابله با غرب در قالب‌های «نفوذ فرهنگی غرب» و «تبلیغ مکاتب رایج فرهنگ در فلسفۀ سیاسی» از محورهای اصلی ممیزی تعبیه شده و از ادبیات آن، نگرانی از تمایل مخاطبان به سینمای غرب برداشت می‌شود. این مهم هرچند با عنوان «نفوذ سیاسی و اقتصادی» هم لحاظ شده، اما پیوسته است که چالش اصلی فرهنگی در ایران واهمه دولت از تبلیغ فرهنگ این جوامع و دوگانه «فرهنگ غربی-شرقی» است. هرچند آشنایی با فرهنگ‌ها و گفت‌وگوی آن‌ها مشروط به عدم تبلیغ استعمار از شمول ممیزی خارج شده است، اما باید در نظر داشت که فرهنگ شرقی اسلامی ایران از چنان استحکام و غنایی برخوردار است که نه تنها مقهور سینمای غرب نمی‌شود، بلکه تأثیرگذار و ناقد آن است. بدین لحاظ، راه حل نه در ممیزی، بلکه در گفت‌وگو از طریق دیدن و پاسخ‌دادن در جهان فیلم است.

سیاست داخلی و خارجی ایران نیز با عبارت کلی «مغایر منافع و مصالح کشور» ذیل

چتر ممیزی سیاسی قرار گرفته و می‌توان هر تفکر یا نظرگاهی در این خصوص را منع کرد. خصوصاً اینکه گزاره یادشده پسوند «سوءاستفاده بیگانگان» را هم دارد؛ امری که مختص بیان سینمایی نیست و در ماده ۵۰۰ ق.م.ا. پیش‌بینی شده: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس ... محکوم خواهد شد.» لذا، انتقاد اصلی به ماده مذکور است که خلاف رعایت اصول حقوق کیفری در تقنین جزائی امری با تاب تفسیر بالا و بدون ضابطه را جرم تلقی کرده و حق برآزادی بیان را محدود کرده است. لذا، این مهم صرفاً باید بر اساس معیارهای مشخص عینی قانونی و در محکمه صالح رسیدگی شود.

۲-۲. ممیزی سیاسی در رویه

ممیزی سیاسی، جدای اینکه از اساس مانع ایجاد ژانر فیلم‌های سیاسی شده، در عمل مصادیقی دارد که اهم آن به این شرح است:

۱-۲-۲. انتقاد از سیاست‌های دولت

مردم، از جمله هنرمندان، حق مشارکت در تمام شئون دولت را دارند و این حق شامل حق مخالفت آن‌ها با سیاست‌ها و تصمیمات دولت نیز هست (آقامحمدآقایی، ۱۳۹۲: ۱۵۵). اما با وجودی که انتقاد و اعتراض به دولت و عملکرد اجزای آن صراحتاً در فهرست عنوان ممیزی قرار نگرفته؛ عملاً صورت می‌گیرد و همین امر به تدریج موجب استفاده از ژانر کمدی و طنز در موضوعات سیاسی شده تا زهر نقد گرفته شود که، در هر حال، مانع قوام‌گرفتن ژانر سیاسی جدی شده است.

۱-۱-۲-۲. حیاط پشتی مدرسه عدل آفاق: نقد حکمرانی آموزشی

حیاط پشتی مدرسه عدل آفاق داریوش مهرجویی (۱۳۵۹)، در قالب ماجراهای یک مدرسه و حکمرانی آموزشی مسئولان آن، استبداد را محکوم می‌کند و حتی در آن، مدیران مدرسه با پروژه نمایشی دانش‌آموزان و روزنامه‌دیواری مخالفت می‌کنند. فیلم توقیف شد و سال‌ها بعد با اصلاحاتی از جمله تغییر نام به مدرسه‌ای که می‌رفتیم امکان نمایش یافت.^۱ ممیزی این فیلم حکایت از محدودیت در آسیب‌شناسی نظام رسمی آموزش دارد که در فهرست ممیزی موجود در ضوابط نیست.

۲-۱-۲-۲. خط قرمز: تصویری متفاوت از مأمور ساواک

خط قرمز مسعود کیمیایی (۱۳۶۰) «به ماجراهای شب عروسی یک مأمور ساواک در روزهای انقلاب می‌پردازد و از جمله به دلیل موضوع توقیف شد، چراکه فیلم نه تنها تصویر یک‌بُعدی و محکوم‌کننده‌ای از مأمور ساواک ترسیم نمی‌کند، بلکه به گروه‌های چپ و

۱. در نسخه شبکه خانگی نمایش فیلم نیز، موضوع «اجتماعی سیاسی» ذکر شده است.

غیرمذهبی هم در به ثمر رساندن انقلاب سهم می دهد» (اکرمی، ۱۳۷۵: ۴۷۰). در خط قرمز، تصویری درمورد مأمور ساواک ارائه می شود که انطباق کاملی با نظر رسمی دولت در این زمینه ندارد و همین امر ممیزی فیلم را تا سر حد توقیف پیش برد. موضوع فیلم واقعاً خط قرمز بود و گذشت سال ها هم موجب رفع ممیزی و توقیف آن نشد.

۲-۱-۳. هیولای درون: تغییر تفکر مأمور امنیتی

به روایت خسرو سینایی: «سال ۳-۱۳۶۲ ساخت فیلم تمام و جلسات محاکمه شروع شد. می گفتند تعداد کلاغ های دهکده به طرز مشکوکی زیاد است یا چرا در دهکده خرافات وجود دارد. پذیرفتم فقط ده ثانیه از فیلم را که یک "شیر فلکه آب" بود کوتاه کنم. هنوز هم نمی دانم گناه "شیر فلکه" چه بود. فیلم، به رغم گرفتن جوایز بهترین کارگردانی و فیلم برداری در جشنواره فجر، اکران نشد. گفتند: مشکل کوچکی هست که باید اصلاح شود. فقط باید لباس نقش اول زن فیلم را عوض کنی! زنی که در سراسر فیلم "گفن پوش" در مقابل شوهر و با حجاب کامل ظاهر می شود! فیلم ۱۳۵ دقیقه ای پس از چند ماه در ۹۰ دقیقه اکران شد؛ یعنی، با حذف حدود ۴۵ دقیقه». (سینایی، ۱۳۹۲) اما داستان فیلم مشخص می کند که ممیزی فیلم سیاسی بوده: غریبه ای با نام مستعار دکتر وارد روستا می شود و در پی فرصت است تا از کشور خارج شود و گذشته و افکار پریشان خود را مرور می کند. سال ها پیش، در حزبی سیاسی برضد نظام سلطنتی فعالیت می کرده و بعد دستگیری، زیر شکنجه ندامت نامه نوشته؛ به خدمت سازمان امنیت درآمد؛ برای ترفیع مقام، دستور اعدام بسیاری از مخالفان را صادر کرده و حتی همسرش را به مقام های بالادست خود واگذار کرده است. همسر مرد، که خودکشی کرده، دائم چون روح ظاهر می شود و او را می آزد. دکتر آن قدر در انزوا فرومی رود تا به سرحد جنون و مرگ می رسد.

در هیولای درون، تغییر اندیشه و اعتقاد مأمور امنیتی و عذاب وجدان او احتمالاً با تطبیق زمانه ساخت فیلم به شائبه دامن زد و دچار ممیزی شد که انطباقی با ضوابط ممیزی ندارد.

۲-۱-۴. شب های زاینده رود: نقد سیاست روز

شب های زاینده رود محسن مخملباف (۱۳۶۹) سه شخصیت اصلی دارد: استاد مردم شناسی که پس از تصادف و مرگ همسرش، چون کسی او و همسرش را به بیمارستان نمی رساند، به مردم بدبین می شود؛ سایه، دختر استاد و پرستار بیمارستان؛ و مهرداد، نامزد جوان سایه. از طرف دیگر، جوانی که جانباز جنگ و در بیمارستان بستری است به سایه اظهار علاقه می کند. سایه نیز، در تردید میان این دو، وصلت با مهرداد را برمیگزیند. ملاحظات سیاسی فیلم ساز، که از زبان استاد مطرح می شود، و موضوع سیاسی فیلم که به

نقد شرایط اجتماعی پس از انقلاب می‌پردازد، در کنار وجه تسمیه فیلم (آوازی قدیمی به نام شب‌های زاینده‌رود که با صدای دو خواننده متعلق به قبل و بعد از انقلاب در فیلم شنیده می‌شود) موجب برخورد با فیلم در جشنواره نهم فیلم فجر و توقیف دائمی آن شد (حیدری، ۱۳۷۶: ۷۶۸ و ۱۱۰). در این فیلم نیز، نقد شرایط سیاست‌زده ایران و مقایسه آن با رژیم سیاسی گذشته موجب ممیزی شده که این مورد هم فراتر از مقررات ارزیابی می‌شود.

۲-۱-۵. صد سال به این سال‌ها: شائبه مقایسه زندگی در قبل و بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی

صد سال به این سال‌ها ساخته سامان مقدم (۱۳۸۶) داستان یک زن و دو مرد از رژیم گذشته تا زمان حاضر را روایت می‌کند. نحوه زندگی و مصیبت‌های نقش اول فیلم، که زنی با نام «ایران» است، و شائبه قضاوت غیرمنصفانه قبل و بعد انقلاب موجب توقیف فیلم پس از نمایش در جشنواره فیلم فجر تا کنون شد (کاظمی، ۱۳۹۲: ۴۵). گویی در فیلم‌کردن داستان‌هایی که از قبل از پیروزی انقلاب شروع شده و در زمانه حاضر ختم می‌شوند، همواره و همه چیز باید بهتر شده باشد. هرچند که اساساً فیلم به این مهم نپرداخته و پربدیهی است که با تغییراتی در حد یک انقلاب اسلامی اوضاع شهروندان به یک اندازه تغییر نکرده و مطلوبیت روزگار، حسب مورد، برای افراد مختلف متفاوت است و این مهم هیچ ارتباطی به ارزیابی انقلاب ندارد و این‌ها دو مقوله متفاوت‌اند؛ اما، در رویه عملی ممیزی چنین است و سرنوشت افراد به نظام سیاسی گره زده شده و یکی انگاشته می‌شود که در خصوص فیلم سامان مقدم تاکنون آن را در محاق ننگه داشته است.

۲-۱-۶. پاداش: نقد مسئولان وقت قوه مجریه

پاداش کمال تبریزی (۱۳۸۷)، به علت نقد نحوه رفتار مسئولان قوه مجریه در قالب طنز و بستر سفر حج، سال ۸۸ به دستور مستقیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توقیف شد که به روایت کارگردان، ریشه در شوخی با هیئت وزیران داشت. مثلاً در صحنه‌ای، وزیر می‌زند تو سر پیاز و دمپایی‌اش را درمی‌آورد و غذایی را که از خانه آورده با دست می‌خورد. تبریزی نقل می‌کند که «از طریق معاون فرهنگی وقت رئیس‌جمهور هماهنگ شد و با احمدی‌نژاد فیلم را در روزهای پایان دوره اول ایشان دیدیم. رئیس‌جمهور هم خندیدند و حتی در صحنه‌های رفتار خاص وزیر می‌پرسیدند منظورتان من هستیم؟ مثلاً جایی در فیلم که نشانی ظاهری وزیر داده می‌شود: "اصلاً شبیه وزیرها نیست‌ها، قدش این قدر است (کوتاه) و ریشش این طوری است!". احمدی‌نژاد می‌گفت من را می‌گویید؟ ولی بعد از اتمام فیلم گفت: هیچ ایرادی ندارد و پروانه‌اش را صادر کنید. همان‌جا نظر رئیس‌جمهور به شمقدری منتقل شد. اما بعد آن، اقدامی صورت نگرفت

و سازمان سینمایی حرف رئیسشان را گوش نکردند» (اعتماد، ۱۳۹۴ الف: ۱۱). پاداش، با جرح و تعدیل و تغییر نام به «از رئیس جمهور پاداش نگیرید»، بعد ۷ سال در ۱۳۹۴ اکران شد (اعتماد، ۱۳۹۴ ب: ۱۰). این فیلم بیشتر از دیگر مصادیق نشان داد که نقد همراه با مزاح در قاب سینما به مسئولان قوه مجریه هم حسب شرایط تحمل نمی‌شود؛ امری که پیش‌بینی این مهم را در خصوص مسئولان دیگر قوا آسان می‌کند.

۲-۱-۲.۲. عصبانی نیستیم: نقد محرومیت دانشجویان از تحصیل

عصبانی نیستیم رضا درمیشیان (۱۳۹۲) داستان دانشجوی ستاره‌دار و اخراجی‌ای است که برای فراهم کردن حداقل شرایط زندگی در رویارویی با بی‌اخلاقی‌های جامعه با خود تمرین می‌کند تا عصبانی نباشد و در تلاش است تا ستاره، دختر مورد علاقه‌اش، را هم از دست ندهد. فیلم در جشنواره فیلم فجر اکران محدودی داشت (اعتماد، ۱۳۹۲ ب: ۹)، اما به علت برخی اعتراضات به سیاسی بودن فیلم، دبیر جشنواره از تهیه‌کننده خواست تا فیلم را از بخش مسابقه خارج کند و محترمانه کناره‌گیری کند تا کلیت سینما-جشنواره آسیب نبیند (اعتماد، ۱۳۹۲ الف: ۱۶)؛ اقدامی پس از نامزد شدن فیلم در چند بخش که از جمله سبب شد تا جایزه بهترین بازیگر جشنواره از نوید محمدزاده - نقش اول مرد فیلم - به دیگری برسد. پس از جشنواره هم، به رغم انجام اصلاحات و گرفته شدن وجه سیاسی فیلم و تبدیل به گونه اجتماعی (اعتماد، ۱۳۹۳ الف: ۱۶) و حتی صدور پروانه نمایش (اعتماد، ۱۳۹۳ ج: ۸)، فیلم سال ۹۶ اکران شد.

ممیزی عصبانی نیستیم نیز نشان داد که حتی نقد محرومیت دانشجویان معترض به سیاست‌های دولت از تحصیل - موسوم به ستاره‌دار که منظور ستاره‌دار کردن از طریق سازمان سنجش و نقص مدرک گرفتن و فی الواقع، محرومیت از تحصیل است - هم در دایره ممنوعات است که باز هم ورای ضوابط قانونی ممیزی تلقی می‌شود.

۲-۲-۲. انتقاد از مراجع امنیتی و انتظامی

مواجهه با دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در برخی موارد ممیزی شده است.

۲-۲-۲.۱. به رنگ ارغوان: عشق مأمور امنیتی به سوژه

به رنگ ارغوان ابراهیم حاتمی‌کیا (۱۳۸۳) در جشنواره بیست و سوم فیلم فجر به دستور وزیر اطلاعات وقت توقیف شد؛ هرچند که نامه کارگردان به وزیر حکایت از توقیف خود خواسته دارد (ایران دخت، ۱۳۸۸ ب: ۸۴). فیلم داستان مأمور اطلاعاتی است که در مأموریت عاشق دختر متهم امنیتی می‌شود.

«فیلم تحمل نشد و تلاش‌های تهیه‌کننده جواب نداد: از طریق شورای امنیت ملی و آقای هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت پیگیری کردم. ایشان و

دکتر روحانی - دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی - وساطت کردند و اصلاحاتی دادند و گفتند با اعمال این موارد، فیلم قابل تحمل تر می شود. اما با انجام آن ها، چیزی از فیلم باقی نمی ماند و حاتمی کیا زیر بار نرفت» (ایران دخت، ۱۳۸۸ الف: ۹۴). فیلم بالاخره در جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۸) جایزه گرفت و اکران عمومی هم شد.

عاشقی مأمور اطلاعات، که در عالم واقع بسیار باورپذیر است، علت ممیزی و توقیف این فیلم شد. ظاهراً قانون نانوشته ای بوده مبنی بر عدم نمایش این بخش از جوه انسانی کارکنان بخش اطلاعات کشور که با منابع حقوق ممیزی همخوانی ندارد.

۲-۲-۲. گشت ارشاد: نقد غیرمستقیم ناجا

گشت ارشاد سعید سهیلی (۱۳۹۰) عده ای خلاف کار را در لباس مأموران گشت ارشاد نیروی انتظامی نشان می دهد که از مردم اخاذی می کنند. نام فیلم انرژی زیادی از سهیلی می گیرد: «نام فیلم برای من اهمیت زیادی دارد، چون به جذب مخاطب کمک زیادی می کند. برای نام گذاری، ۷ ماه کار را عقب انداختم و هزینه و انرژی و وقت صرف کردم. - یعنی، وزارت ارشاد با این عنوان مشکل داشت؟ - عده ای معتقد بودند اسم گشت ارشاد، به طور منفی، حساسیت ها را برمی انگیزد. من اما این برانگیختگی را مثبت می دانستم. پس از مذاکره و مباحثه، جنگ و صلح کردم تا عاقبت موفق شدم» (بانی فیلم، ۱۳۹۰: ۲۰). فیلم در زمان اکران عمومی و شبکه خانگی نمایش با اصلاحات مواجه شد.

فیلم نقد عملکرد ناجا در بخش گشت ارشاد است که موافقان و مخالفان جدی در جامعه دارد. حتی این شیوه غیرمستقیم، یعنی نقد عملکرد در لباس گروهی که پلیس نیستند و متقلبانه چنین می کنند، هم ممیزی شد که نشان می دهد نقد سیاست های رسمی پلیس در سینما جایگاه فراخی ندارد.

۳-۲-۲. متری شش و نیم: مصائب پلیس مبارزه با مواد مخدر

متری شش و نیم سعید روستایی (۱۳۹۷)، با رویکرد توأمان جرم شناختی و حقوق کیفری، مصائب درگیری قشری از مردم با مواد مخدر و نیز صعوبت کار پلیس مبارزه با مواد مخدر را نشان می دهد که از چند سو با قوانین، متهمان و دستگاه قضا درگیر است. فیلم، به علت وجه واقع گرایی، مقبول ناجا نیفتاد. اما سرانجام، با تعدیل هایی، در روزهای پایانی جشنواره فیلم فجر و بعد آن اکران شد (مووی مگ، ۱۳۹۷).

چالش های این ممیزی را رسول ملاقلی پور (کارگردان) به خوبی بیان می کند:

در نسل سوخته (۱۳۷۸)، یک فرمانده ناجا گفت رشوه گیری را نشان بده! هم آدم خوبه را نشان بده، هم رشوه بگیر را. رشوه بگیر را هم آدمی کثیف نشان نده. او حقوقش

کم است. پلیس ایتالیا و آمریکا را سینمای آن‌ها قدرتمند ساخت؛ چون، به آن‌ها اجازه دادند پلیس نقد شود. در فیلم‌ها آخرش را جمع می‌کنند، یعنی رئیس پلیس را هم دزد نشان می‌دهند، ولی آخرش پرچم آمریکا هم باد می‌خورد. واقعاً من می‌توانم این‌ها را نشان داده و پرچم ایران را هم باد بدهم؟ اگر پرچم را نشان بدهم، متهم می‌کنند که این را به خاطر سانسور کار کرده‌ای. (سوره اندیشه، ۱۳۸۲: ۶-۷)

۲-۲-۳. سینمای جنگ

نقد جنگ نیز از موارد ممیزی در رویه است. در این معیار، ساخت فیلم انتقادی مربوط به جنگ و سیاست‌های دولت در این زمینه ممنوع است. البته باید توجه داشت دفاع از میهن از دایره جنگ جداست و تجلیل از دفاع جایز است. لذا، باید میان دفاع از میهن و جنگ‌های توسعه طلبانه و حمله تفاوت قائل شد. ممیزی و سخت‌گیری در این زمینه موجب شده که نقدها و چالش‌ها در قالب کمدی مطرح شوند. فیلم‌های لیلی با من است کمال تبریزی و سه‌گانه اخراجی‌ها از مسعود ده‌نمکی (حسینی سروری، طالبیان و مولایی، ۱۳۹۰: ۲۰-۳۹) از مصادیق این مقوله‌اند.

۲-۲-۱. زنگی و رومی: گفت‌وگوی دو تفکر درباره جنگ

زنگی و رومی فیلم‌نامه ناصر تقوایی است که به مرحله ساخت نرسید. داستان به جنگ ایران و عراق مربوط می‌شد که گفتند نمی‌شود ساخت. ناچار تبدیلیش کردم به جنگ تنگسیری‌ها با انگلیسی‌ها. سال‌های آخر جنگ بود. مضمون فیلم‌نامه به یک موضوع حاد روز می‌پرداخت: دو نوع تفکر موافقان و مخالفان ادامه جنگ که هیچ‌یک هم سست نبود. این برخورد عقاید اساس فیلم‌نامه زنگی و رومی بود که شخصیت‌های اصلی‌اش دو نوجوان هستند: یکی فرنگی که «رومی» نام دارد و دیگری بچه جنوبی به اسم «زنگی». زنگی یعنی سیاه. نمادی از رئیس‌علی دلواری که موافق جنگ با انگلیسی‌هاست و یک دکتر مبارز که مخالف است. این دو دوست با هم درگیر می‌شوند. ماجرای فیلم در دهکده‌ای می‌گذرد که هیچ دفاعی ندارد. ماجرا شکلی تاریخی داشت، ولی ما هر وقت سراغ تاریخ می‌رویم، قصد بیان یک موضوع روز را داریم. داستان فیلم رد شد. هرچه توضیح دادم، مشکل حل نشد. ظاهراً ضد جنگ تشخیص داده شد. گفتم اجازه بدهید فیلم را شروع کنم. تردید نداشته باشید که تا آماده شدن فیلم تکلیف جنگ هم روشن شده؛ چون، زمزمه‌های مصالحه به گوش می‌رسید.

۱. رک: آیین‌نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۲۶ هیئت‌امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس که طی آن، جهت جلوگیری از انحراف و تحریف ارزش‌های دفاع مقدس، صدور مجوز و ممیزی برای آثار مکتوب و چندرسانه‌ای نظام‌مند شده است.

موافقت نشد. (طالبی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۳۱)

۲-۲-۲. باشو، غریبه کوچک: تصویری متفاوت از پس‌زمینه جنگ

باشو، غریبه کوچک بهرام بیضایی (۱۳۶۴) هم به علی، از جمله نقد دفاع مقدس، چند سال گرفتار ممیزی شد و از دیده شدن شایسته باز ماند (مرتضوی قهی و منادی، ۱۳۸۸: ۶۴). باشو بازمانده خانواده جنگ‌زده جنوبی است که سر از شمال کشور درآورده و مصائب جنگ و این غربت در فیلم تصویر می‌شود. ممیزی این فیلم، که بعدها از نگاه بسیاری از منتقدان از درخشان‌ترین آثار دفاع مقدس و تصویری شایسته از روابط انسانی ارزیابی شد، نشان داد که ممیزی عملی فاصله بسیاری با این مهم در ضوابط دارد؛ چنان‌که از آن زمان تا کنون فهم علت ممیزی این فیلم به شدت ثقیل است و به نظر می‌رسد کلاً تصویری رسمی و ثابت از دفاع مقدس بوده و هر قاب متفاوتی به دیده تردید نگریسته می‌شده است.

۳. ممیزی فرهنگی-اجتماعی

تنها راه پایدار روشن شدن حقیقت آزادی نقد و بیان؛ و نظارت همگانی یا اجتماعی کم‌هزینه‌ترین و پربازده‌ترین قسم نظارت است. در این میان، نقد اوضاع فرهنگی و اجتماعی در آثار هنری یکی از شیوه‌های نظارت مزبور است که فی‌المثل، فیلم‌های مستند معترض (نفیسی، ۱۳۵۷: ۴۵۳-۴۸۱) و سینمای داستانی منتقد، معترض یا اجتماعی از نمونه‌های آن هستند که به رئال هم خوانده می‌شوند. رئال در اینجا رئال آمیخته با خیال و تفکر هنرمند است؛ نه صددرصد واقعیت و نه خالی از آن؛ واقعیتی ناخالص که جایگاه رفیعی در شناسایی کشور متبوع داستان سینما یا هنرمند آن دارد، تا آنجا که بسیاری از مردمان کشورها شناخت و دیدشان از کشورهای دیگر همین فیلم‌هاست؛ امری که موجب شده، به‌رغم جهانی شدن و ناتوانی افراد و دولت‌ها در جلوگیری از انتشار اطلاعات، عملکردها، ارزش‌ها، آثار و تولیدات انسانی (جعفری ارجمند، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۲۲)، در ایران در برخی مقاطع نگاه مثبتی به حضور آثار اجتماعی در مراسم و جشنواره‌های جهانی وجود نداشته باشد. چون، همان‌طور که مثلاً حجم عمده تصور ما از دادرسی کیفری امریکا محصول نمایش‌های هالیوودی محاکم امریکا است (رافتر، ۱۳۸۶: ۴۹-۱۵)، بخشی از نگاه دنیا به ما هم از طریق فیلم‌ها در جشنواره‌های بین‌المللی است.

۱-۳. ممیزی فرهنگی-اجتماعی در حقوق موضوعه

ممیزی فرهنگی-اجتماعی در ضوابط سینما در قالب این موارد عنوان شده است:

ردیف	منبع حقوقی	عناوین ممیزی
۱	بندهای ۵ و ۱۲ ماده ۳ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم/۱۳۶۱	تحریک اختلاف نژادی و قومی و یا استهزا و تمسخر آن‌ها بیان حقایق تاریخی و جغرافیایی به نحوی که موجب گمراهی بیننده شود.
۲	بندهای ۴ و ۶ تعهدنامه تهیه‌کنندگان برنامه‌های ویدئویی/۱۳۷۲	استفاده از لوکیشن‌ها، فضاها و مکان‌هایی که به طور متعارف در جامعه هست و عدم استفاده از مکان‌هایی که در هر جامعه به صورت پراکنده و گاه مخفی (آلونک‌ها، مراکز مال‌خری و مال‌فروشی، بیغوله‌ها و...) وجود دارد که به تصویر کشیدن آن‌ها باعث برداشت سوء بیننده و یا هتک حرمت جامعه اسلامی می‌شود. نشان‌دادن خرافات و اوهام نظیر جادوگری و رمالی که باعث انحراف افکار از حقایق اسلامی می‌شود.
۳	بند ۳ و جزءهای ۴-۶ و ۴-۸ بند ۴ قسمت ب از سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی/۱۳۸۴	تلاش برای انتخاب آثاری که از حداقل تعارض یا مخالفت با فرهنگ ایرانی-اسلامی و ارزش‌های اخلاقی مورد قبول جامعه برخوردار باشند. فیلم‌هایی که اعتماد به نفس مخاطبان را در مقابل توانایی‌های علمی و فنی غرب (به ویژه آمریکا) خدشه دار ساخته و سعی در تحقیر علمی و فرهنگی دیگر جوامع دارند. فیلم‌هایی که مروج انواع معنویت‌های بی‌ریشه و خرافات قدیم و جدید به شمار می‌آیند.

در این خصوص به نظر می‌رسد:

عدم توهین به مفاخر کشور، عدم تحریک اختلافات نژادی و قومی و ممنوعیت تمسخر زبان‌ها و لهجه‌ها مورد توجه قرار گرفته، اما باید توجه داشت انتقاد و آسیب‌شناسی این موارد و رای توهین است و اهانت به شرط داشتن عناصر سه‌گانه جرم قابل پیگرد قانونی است. لذا، هر گونه پرداختی در این سه زمینه بدون توهین و استهزا باید آزاد باشد و مقوله اصلی تفسیر است. تحریف تاریخ ممنوع شمرده شده، حال آنکه نمی‌توان به این علت اثری را ممیزی کرد؛ زیرا، همیشه و در غالب موارد تاریخی، اختلاف نظر وجود دارد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نه می‌تواند و نه باید در مقام داور تاریخ قرار بگیرد. در غیر این صورت، شاهد کارشناس‌های تاریخ و جغرافیا در وزارت خانه هستیم که به آثار تحمیل می‌شوند. لذا، نقد و بررسی این مهم را باید به جامعه مدنی و کارشناسان آن سپرد.

نشان دادن پلیدی‌ها و قسمت‌های سیاه جامعه ممنوع شمرده شده است؛ حال آنکه هیچ جامعه‌ای سفید مطلق نیست و اتفاقاً سینما می‌تواند موجب مجموع شدن خاطر مسئولان و توجه به کاستی‌ها شود. اگر قرار باشد تصویرکردن فقر و آسیب‌های اجتماعی ممیزی شود، راه نقد کاملاً مسدود می‌شود و حق برآزادی بیان مخدوش می‌شود. ضمن اینکه قدغن کردن نمایش شرایط

زندگی دهک‌های پایین جامعه موجب حذف خیل عظیمی از سینمای ایران می‌شود که خروجی آن سینمایی غیرواقعی و تبعیض‌آمیز است. همچنین، الزامی برای سینماگران وجود ندارد تا وجه غالب جامعه را نشان دهند و فیلم‌ساز در پرتنگ کردن استثناها یا کاهش اندازهٔ اکثریت آزاد است. مجدداً به علاقهٔ مخاطبان به ظواهر جوامع غربی حساسیت نشان داده شده و با دوگانه‌سازی فرهنگ غرب-ایران، نمایش جلوه‌های سینمایی زندگی غربی محدود شده است. در حالی که سینما، به رغم آنکه می‌تواند قاب مناسبی برای تصویرکردن فرهنگ ایرانی (محمدی مهر و بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۷۳) و پیشرفت یا عقب‌ماندگی جامعهٔ ایرانی باشد، این تصویر ناقص و تا حد زیادی خیال‌انگیز و شخصی است و با تحدید سینما نمی‌توان فرهنگ خوب را بد یا کاستی‌ها را پیشرفت یا برعکس نشان داد. کما اینکه مخاطبان نیز می‌دانند سینما عرصهٔ خیال است و معیاری علمی و صحیح برای تمایل به جوامع و فرهنگ‌ها یا دوری از آن‌ها نیست. با این حال، همیشه در مورد تصویر جامعهٔ ایرانی در خارج از کشور حساسیت وجود دارد و حضور مدیریت فرهنگی لازم دانسته شده است (بیچرانلو، ۱۳۸۷: ۷۷-۸۲).

۲-۳. ممیزی فرهنگی- اجتماعی در رویه

در رویه، نشان دادن کاستی‌ها، مشکلات و فضای انتقادی در برخی مواقع با عنوان «سیاه‌نمایی» ممیزی شده است (نسیم بیداری، ۱۳۹۰: الف: ۱۰۸-۱۰۶). لذا، تلخی و یأس شدید در غالب آثار تحمل نمی‌شود و دلالت فیلم‌سازان به ایجاد فضایی شاد و مفرح مشاهده می‌شود. شاید هم به همین علت فیلم‌های انتقادی اجتماعی همچنان پرترف دارند و از دید بینندهٔ ایرانی، همچنان فیلمی موفق است که واقعیت‌ها را نشان بدهد و از فرهنگ مسلط و رسمی فاصله داشته باشد (عقیقی، ۱۳۹۳: ۷۰). اما مثال‌هایی در این بُعد از ممیزی:

۱-۲-۳. حاجی واشنگتن: تصویر نامناسب از سفیر ایران در امریکا

علی حاتمی سال ۶۱ حاجی واشنگتن را ساخت که شرح سفر حاجی حسینقلی خان صدرالسلطنه به‌عنوان نخستین ایلچی دربار ناصری به مملکت اتازونی است. حاجی با وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور ینگه دنیا ملاقات می‌کند و پیمان مودت می‌بندد. اما پس از مدتی، مشکلات مالی و غربت حاجی را به مرز جنون می‌کشاند. فیلم حدود یک دهه توقیف می‌ماند که ظاهراً از علل آن تصویری نامناسب از فرهنگ و تمدن ایرانی، آن‌هم در مواجهه با کشور امریکا، و تصویر شوخ و شنگی است که از حسینقلی خان ارائه شده است (حیدری، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۸، ۹۶ و ۱۴۴). بر اساس این ممیزی، می‌توان گفت که روتوش کردن تصویر ایران و ایرانی در فیلم‌ها به زمان معاصر محدود نیست و ممیزی نقش پالایش را در موارد تاریخی هم بازی می‌کند.

۲-۲-۳. جعفر خان از فرنگ برگشته: مجادلهٔ سنت و تجدد

جعفر خان از فرنگ برگشته ساختهٔ علی حاتمی است که طی آن، پدر، با دیدن سرووضع

غیرمتعارف پسر، هر کاری می‌کند تا جعفر همانی شود که او می‌خواهد. اما ناموفق است، به‌ویژه اینکه دولت هم به جعفر میدان می‌دهد تا در جهت عملی کردن افکارش بتازد. او مأمور می‌شود تا در جعفرآباد (که به نیوجف تغییر نام می‌دهد) شهری صنعتی و فضایی بسازد. پدر با شنیدن ازدواج او با دختری فرنگی سکتته می‌کند و روانه تیمارستان می‌شود. هواداران و مخالفان تجدد به جان هم می‌افتند. جعفر هم ایران را به قصد اروپا ترک می‌کند و روستای بی‌نام و مردمی بی‌هویت و مسخ شده می‌مانند. فیلم مدت‌ها اجازه نمایش نگرفت تا اینکه، به خواست تهیه‌کنندگان برای جلوگیری از ورشکستگی، سال ۶۶ فیلم صدوده دقیقه‌ای حاتمی مقداری حذف و اضافه شد تا مجوز نمایش گرفت (حیدری، ۱۳۶۹: ۱۲۳-۱۲۶). فیلم آن قدر با نسخه حاتمی متفاوت است که نام او به‌عنوان کارگردان فیلم با تسامح است.

ممیزی این فیلم حکایت از سخت‌گیری فیلم‌کردن مواجهه دو تفکر و عدم تمایل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عیان شدن این تعارضات دارد، ولو اینکه فیلم جدی هم نباشد و به طنز ماند.

۳-۲-۳. زیر بام‌های شهر: فقر و خانه به‌دوشی

زیر بام‌های شهر (۱۳۶۸) ساخته اصغر هاشمی است. فریدون جیرانی، نویسنده فیلم‌نامه، روایت می‌کند:

فیلم به‌عنوان یک اثر اجتماعی با پایان تلخ و به تعبیری شاید از اولین فیلم‌های با پایان تلخ در سال‌های بعد از انقلاب بود. در اکران عمومی، پایان‌بندی آن حذف شد. در فیلم، زوجی با مشکل مسکن مواجه‌اند و به صاحب‌خانه‌ای مراجعه می‌کنند که، برای تسویه با مستأجر قبلی، پولی را از این زوج مطالبه می‌کند. در نسخه جشنواره، مستأجر قبلی، که خانه پیدا نکرده بود، در پایان فیلم به حلبی‌آباد می‌رفت. اما در نسخه اکران عمومی با رفتن مستأجر قبلی با تصور اینکه به شهرستان رفته، بدون دیدن حلبی‌آباد فیلم تمام می‌شود (نسیم بیداری، ۱۳۹۰ ب: ۸۳). تورم و گرانی اجاره‌ها و کاستی‌ها در عرصه مسکن در فیلم گریبان اصغر هاشمی را گرفت که دست‌کم امروز باورکردنش آسان نیست؛ زیرا، اگر برای مدار باشد، هر گونه نقد در سینما ممنوع تلقی می‌شود که وفق قانون چنین نیست.

۳-۲-۴. بانو: تصویر نامتعارف از قشر ضعیف

بانو، ساخته داریوش مهرجویی (۱۳۷۰)، داستان زنی متمول است که با غیبت شوهرش افرادی فقیر با سطح فرهنگی متفاوت وارد خانه او می‌شوند و اموالش را غارت می‌کنند. عزت‌الله انتظامی، بازیگر فیلم هم، علت ممیزی و توقیف فیلم را همین نوع نگاه به قشر ضعیف می‌داند: «این‌طور تعبیر کردند که این‌ها گویی نماینده طبقه پایین هستند و آن خانه هم ایران است و از این حرف‌ها که من قبول ندارم.» (رجب‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۳۲) فیلم، با تعدیل‌هایی، ۷ سال بعد اکران شد.

ممیزی بانو حکایت تظہیر فرهنگ قشر غیر متمول و ورود تشبیهات و نشانه‌شناسی به ممیزی است که اگر باب شود و ممیز وارد حوزه نیت خوانی شود، بساط فیلم‌کردن موضوعات برجیده می‌شود؛ چون، وادی هنر عالم تفسیر است و انتهای بی‌ندارد، جز اینکه باب سینما مسدود شود.

۵.۲-۳. آتشکار: واژگنومی

آتشکار، ساخته محسن امیر یوسفی (۱۳۸۶)، به موضوع واژگنومی^۱ پرداخته و همین امر، علی‌رغم رویکرد محافظه‌کارانه فیلم، موجب توقیف سه‌ساله آن شد (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۰). پرداختن به موضوعی که در جامعه ایرانی، به زعم مسئولان، هنوز عادی نشده بود و شرمی را می‌طلبید که با عیان شدن در پرده سینما متضاد است و همین موجب ممیزی فیلم شد. واژگنومی مسئله‌ای پزشکی در مورد فرزندآوری است که شوخی پنهان با آن و حساسیت مسئله فرزندآوری یا محدودیت در آن آتشکار را چند سال معلق کرد. گویی سینما هم نباید به این مسئله می‌پرداخت. طرفه آنکه زبان طنز فیلم هم به کار نیامد.

تیتراژ پایانی ممیزی در سینمای ایران: تکرری فراتر از ضوابط متنوع محل تأمل

سانسور یا ممیزی نظارت نیست؛ مداخله دولت در آثار هنری است. سینمای ایران نیز از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با ممیزی مواجهه بوده و این مهم از سال ۶۱ نهادینه شد که با تقسیم‌بندی ابعاد آن در ۴ سبب عمده دینی، اخلاقی، سیاسی، و فرهنگی-اجتماعی شناسایی می‌شود. به جز مورد اول که به علت ارتباط با موازین شرعی خود نوشته مستقلی می‌طلبد، در این پژوهش ابعاد دیگر آن بررسی و نقد شد؛ انواعی که، به جز چند مورد محدود، اولاً فاقد منبع قانونی و مغایر با موازین حقوقی اند و ثانیاً حق برآزادی بیان هنری فیلم‌سازان را محدود و عقیم می‌کنند. از یک طرف، ضوابط ممیزی سینما در ایران فربه و کثیرالابعاد است و، از طرف دیگر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در عمل پارا از مقررات ممیزی فراتر گذاشته، برداشت حداقلی از ضوابط را نادیده گرفته و فاصله‌ای میان مقررات و عمل مشاهده می‌شود؛ امری که تا حدی گریزناپذیر است؛ چرا که خط قرمزها در قالب لفظ و بی‌جان هستند، اما فیلم‌ها زنده‌اند و انطباق میان این دونا‌گزی به سلیقه می‌کشد. لذا، چاره اصلی مضیق کردن خطوط قرمز تا سرحد صفر شدن و سپردن امر به بعد از نمایش فیلم‌ها و رسیدگی به دعاوی و شکایات احتمالی است؛ زیرا، آن زمان طی دادگاهی علنی و پس از مواجهه فیلم‌ها با مخاطبان بهتر و شفاف‌تر مشخص می‌شود که ضوابط و چارچوب‌ها تا چه حد نقض شده‌اند.

تعارض منافع:

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۷۴). فرهنگ علوم انسانی انگلیسی فارسی. تهران: مرکز. آقامحمدآقایی، احسان (۱۳۹۲). نقش دولت در فرایند مشارکت پذیری مردم. تهران: شهر دانش. اکرمی، جمشید (۱۳۷۵). «قیچی های تیز در دست های کور: سانسور فیلم در ایران، از آغاز تا امروز». فصلنامه ایران نامه، شماره ۵۵: ۴۶۳.
- آگاه، وحید (۱۳۹۶ الف). «امکان سنجی افاده نظام صدور مجوز آثار هنری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۷: ۳۱۷-۲۹۳.
- آگاه، وحید (۱۳۹۶ ب). «تحلیل نظام صدور مجوز تولید و عرضه آثار سینمایی در حقوق اداری ایران». فصلنامه حقوق اداری، شماره ۱۳: ۶۱-۳۳.
- آگاه، وحید (۱۳۹۶ ج). «موضوع شناسی حقوق هنر: درآمدی بر آثار هنری». فصلنامه علوم خبری، شماره ۲۴: ۱۹۲۵.
- آگاه، وحید (۱۳۹۹). «تیغ و ابریشم: تحلیل مبانی نظری ممیزی آثار سینمایی». فصلنامه پژوهش های حقوقی، شماره ۴۱: ۲۰۰-۱۷۳.
- اعتماد (۱۳۹۲ الف). «برگزیدگان سی و دومین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند: سیمرغ های معتدل». شماره ۲۸۹۶: ۱۶.
- اعتماد (۱۳۹۲ ب). «حواشی فراوان فیلم عصبانی نیستم: گویا همه عصبانی هستند». شماره ۲۸۹۶: ۹.
- اعتماد (۱۳۹۳ الف). «عصبانی نیستم مجوز اکران گرفت: این فیلم دیگر سیاسی نیست». شماره ۳۰۴۲: ۱۶.
- اعتماد (۱۳۹۳ ب). «گفت وگو با مجید برزگر به بهانه نمایش عمومی پرویز: در میان این همه شادی!»، شماره ۳۱۱۳: ۱۸.
- اعتماد (۱۳۹۳ ج). «انتشار پروانه نمایش عصبانی نیستم». شماره ۳۱۰۸: ۸.
- اعتماد (۱۳۹۴ الف). «پشت پرده "از رئیس جمهور پاداش نگیرید" از زبان کارگردانش، کمال تبریزی: با احمدی نژاد فیلم را دیدیم و خندیدیم». شماره ۳۲۸۵: ۱۱.
- اعتماد (۱۳۹۴ ب). «تبریزی در نقش مذاکره کننده در فیلمش ظاهر شد: نگرانی از جراحی های بیشتر "از رئیس جمهور پاداش نگیرید"». شماره ۳۲۸۲: ۱۰.
- ایران دخت (۱۳۸۸ الف). «گفت وگو با سید جمال ساداتیان، تهیه کننده به رنگ ارغوان: فکر نمی کردیم به مشکل بخوریم». شماره ۴۵ (پیاپی ۹۲): ۹۴.
- ایران دخت (۱۳۸۸ ب). «گفت وگوی ایران دخت با ابراهیم حاتمی کیا به مناسبت نمایش فیلم به رنگ ارغوان: مثل جیوه در دماسنج هستیم». شماره ۴۹ (پیاپی ۹۶): ۸۴.
- ایرنا (۱۳۹۸). «انتقادات مدیرعامل ناجی هنر از متری شش و نیم و بوی باران»، بازبایی شده در: <https://www.irna.ir/news/83509128>
- ایسنا (۱۳۹۵). «آخرین وضعیت یک شورا و ماجرای سیگار در فیلمها»، کد خبر: ۹۵۰۲۱۹۱۱۲۸۷، بازبایی شده در: www.isna.ir/news

بانی فیلم (۱۳۹۰). «گفت‌وگو با سعید سهیلی، کارگردان گشت ارشاد: انسان آرامی نیست!»، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۱ (ضمیمه روزنامه)، شماره ۲۲۲۵: ۲۰.

بهار (۱۳۹۲). «گفت‌وگو با فرامرز قریبیان، کارگردان گناهکاران: مردم از سینما جدا شده‌اند»، شماره ۲۴۵: ۷. بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۷). «بررسی حضور بین‌المللی سینمای ایران از دیدگاه کارشناسان و فعالان سینما». فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۴: ۸۲-۷۷.

جعفری ارجمند، محمدجعفر (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر جهانی‌شدن. تهران: میزان.

حسینی سروری، نجمه، حامد طالبیان و محمد مهدی مولایی (۱۳۹۰). «فراز و فرود نقش رزمنده در روایت سه‌گانه اخراجی‌ها». فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۱۵: ۳۹-۲۰. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر. حیدری، غلام (۱۳۶۹). «تراژدی سینمای کمدی ایران (۴)». نامه فیلم‌خانه ملی ایران، شماره ۴: ۱۲۶-۱۲۳.

حیدری، غلام (۱۳۷۶). معرفی و نقد فیلم‌های محسن مخملباف. تهران: نگاه.

حیدری، غلام (۱۳۷۹). علی حاتمی. تهران: قصه.

خرسند، بیژن (۱۳۵۹). نگاهی به سینمای سیاسی. تهران: کتاب آزاد.

رافتر، نیکل (۱۳۸۶). «مروری بر تکوین فیلم‌های دادرسی کیفری آمریکا (۱۹۳۰-۲۰۰۰)»، در: ماخورا، اشتفان و رابسن، پیتر. حقوق و سینما. ترجمه عباس ایمانی. تهران: نامه هستی.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۰). ممیزی کتاب: پژوهشی در ۱۴۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵. تهران: کویر. سوره اندیشه (۱۳۸۲). «بررسی سینمای اجتماعی در میزگردی با حضور رسول ملاقلی‌پور و جواد طوسی: می‌گویند دوره آرمان‌گرایی سرآمده است!»، شماره ۶: ۶-۷.

سینایی، خسرو (۱۳۹۲). «چند خاطره سانسوری» در: «هنرمندان درباره سانسور» (بخش چهارم و پایانی)، بازبایی شده در: www.rouzGar.com/176/about-censorship-4

شرق (۱۳۹۱). «ناگفته‌های کیانوش عیاری در گفت‌وگویی صریح با مهرداد حجتی: گروهی سینما را قرق کرده‌اند»، شماره ۱۶۴۴: ۸.

شرق (۱۳۹۳). «کیانوش عیاری، کارگردان خانه پدری: با مته سینما می‌توان تا اعماق رفت»، شماره ۲۱۱۲: ۹.

طالبی‌نژاد، احمد (۱۳۹۲). به روایت ناصر تقوایی. تهران: زاوش.

عباسی، مریم (۱۳۸۹). «چرا آتشکار توقیف بود؟ روایت شیرین موضوعی تلخ». شرق، شماره ۲۷۱ (۱۱۹۵ پیاپی): ۲۰.

عقیقی، سعید (۱۳۹۳). نگاهی به سینمای معاصر. تهران: کتاب‌آمه.

کاظمی، سید محمد (۱۳۹۲). «توقیف یعنی چه؟». ماهنامه هفت نگاه، شماره ۳۶: ۴۵.

محمدی‌مهر، غلامرضا و عبدالله بیچرانلو (۱۳۹۳). «بازنمایی فرهنگ ایران در فیلم‌های ایرانی: تحسین‌شده در جشنواره‌های بین‌المللی». فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۲۶: ۱۷۳-۱۶۰.

مرتضوی قهی، فاطمه و مرتضی منادی (۱۳۸۸). «بررسی مفاهیم صلح و خشونت در سینمای دفاع مقدس». **فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی**، شماره ۱: ۶۴.

منوچهری، عباس و سید محسن علوی پور (۱۳۹۲). «چارچوب نظری در مطالعه میان‌رشته‌ای؛ مطالعه موردی: کاربرد نظری اندیشه سیاسی در مطالعه سینما». **فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، شماره ۳: ۵۳-۷۵.

موی مگ (۱۳۹۷). «انتقاد تند جانشین فرمانده ناجا از فیلم متری شش و نیم»، بازیابی شده در: <https://moviemag.ir/cinema/news/iran-news/23460>

نسیم بیداری (۱۳۹۰ الف). «مهدی نادری از حال‌وروز فیلم‌سازان نسل سوم انقلاب می‌گوید: سیاه‌نمایی؛ یک اتهام به هم‌نسلان من است»، شماره ۲۴: ۱۰۸-۱۰۶.

نسیم بیداری (۱۳۹۰ ب). «بازگشت به سبک مدیریت دهه ۶۰ سرانجامی جز شکست ندارد» (گفت‌وگو با فریدون جیرانی)، شماره ۲۴: ۸۳.

نفیسی، حمید (۱۳۵۷). **فیلم مستند**. تهران: دانشگاه آزاد ایران.

- قوانین و مقررات

آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مصوب ۱۳۷۶/۸/۷ هیئت وزیران.

آیین‌نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۲۶ هیئت‌امناهی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آن‌ها مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۴ هیئت وزیران.

سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی مصوب جلسه ۵۷۰ مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

قانون اساسی.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات مصوب ۱۳۸۴/۴/۵ مجلس و ۱۳۸۴/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵. قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵/۶/۱۵.

قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰.

قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳.

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲.